ISSN: 2717-3216 Volume 11, Issue 1 (2024), 35-47 https://www.ijfpjournal.ir/

Iranian Journal of Family Psychology

Research Paper

10.22034/ijfp.2024.2033225.1330

Investigating the Lived Experience of Women Sought a Divorce due to the Interference of the Spouse's family: A Phenomenological Study

Zabihollah Abbaspour[1*], Shakiba Ahmadi Nuredinvand[2], Khadijeh Shiralinia[3]

1. Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran
2. M.A of family counseling, Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran
3. Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Article Info.

Received: 21 June 2024

Revised: 15 July 2024

Accepted: 24 July 2024

Keywords:

Interference of spouse's family, lived experience, psychological descriptive phenomenological, women sought divorce

***Corresponding author**
Email: z.abbaspour@scu.ac.ir

Abstract

Abstract

The interference of the spouse's family in the couple's married life has long been a significant source of conflict. Persistent and repeated interference from either the husband or wife's family can lead to decreased marital satisfaction and an increased likelihood of divorce. This study explored the impact of interference on marital conflict and divorce, focusing on the experiences of 10 women who sought divorce due to such interference. Using a qualitative psychological descriptive phenomenological method, data were collected through semi-structured interviews until saturation was achieved. The collected data were analyzed using the five-step method proposed by Giorgi. The analysis provided 10 key aspects of interference: 1) Communication with family and friends, 2) Decisions regarding childbearing and child-rearing, 3) Financial management, 4) Personal attire, 5) Residential choices, 6) Right to education and employment, 7) Privacy within the marriage, 8) Escalation of marital conflicts, 9) Dowry and wedding arrangements, and 10) Promotion of marital separation. These findings provided valuable insights for counselors and psychologists, enhanced the perception of family dynamics, and aided in the development of more effective intervention strategies in marital counseling. Furthermore, the study underscored the importance of considering socio-cultural factors in addressing marital conflicts.

How to Cite:
Abbaspour, Z., Ahmadi Nuredinvand, Sh., Shiralinia, Kh. (2024). Investigating the Lived Experience of Women Sought a Divorce due to the Interference of the Spouse's family: A Phenomenological Study. *Iranian Journal of Family Psychology*. *11*(1), 35-47.

ISSN: 2717-3216 https://www.ijfpjournal.ir/

روانشناسی خانواده
دوره یازدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳



مقاله پژوهشی

بررسی تجربهٔ زیستهٔ زنان متقاضی طلاق از دخالت‌های خانوادهٔ همسر

ذبیح اله عباس پور[1*]، شکیبا احمدی نورالدین‌وند[2]، خدیجه شیرالی نیا [3]

۱. دانشیار مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران،
۲. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
۳. دانشیار مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۳

کلیدواژه‌ها:

دخالت خانوادهٔ همسر،

تجربهٔ زیسته،

پدیدارشناسی توصیفی،

زنان متقاضی طلاق

چکیده

دخالت خانوادهٔ همسر در زندگی زناشویی زوجین، همواره یکی از مهم‌ترین عوامل بروز تعارض بین زوجین بوده است. در نتیجه، تکرار و تداوم دخالت‌ها از سوی خانوادهٔ زن و شوهر، باعث کاهش رضایت زناشویی و افزایش طلاق زوجین می‌شود. هدف پژوهش حاضر بررسی تجربهٔ زیستهٔ زنان متقاضی طلاق از دخالت‌های خانوادهٔ همسر و مشخص نمودن ساختار نهایی آن در مشارکت‌کنندگان پژوهش بود. در این پژوهش به منظور گردآوری و تحلیل داده‌ها، روش پژوهش کیفی از نوع پدیدارشناسی توصیفی روان‌شناسانه استفاده شد. ۱۰ مشارکت‌کنندهٔ زن متقاضی طلاق که دخالت‌های خانوادهٔ همسر را در زندگی زناشویی خود تجربه کرده بودند، به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته، تا زمان رسیدن داده‌ها به اشباع ادامه یافت. مصاحبه‌ها ضبط و مکتوب شدند و به روش پنج مرحله‌ای جیورجی تحلیل شدند. تحلیل داده‌ها به شناسایی ۱۰ جزء تشکیل‌دهندهٔ تجربهٔ زیستهٔ زنان متقاضی طلاق از دخالت‌های خانوادهٔ همسر منجر گردید که عبارت‌اند از: ۱- ارتباط با خانوادهٔ اصلی و دوستان؛ ۲- فرزندآوری و نحوهٔ تربیت فرزند؛ ۳- شیوهٔ خرج و مخارج؛ ۴- نحوهٔ پوشش؛ ۵- انتخاب محل سکونت؛ ۶- حق تحصیل و اشتغال؛ ۷- حریم خصوصی زوجین؛ ۸- تشدید تعارضات زناشویی؛ ۹- تهیهٔ جهیزیه و مقدمات ازدواج؛ و ۱۰- تشویق همسر به جدایی. یافته‌های حاصل از این پژوهش به مشاوران و روان‌شناسان در مراکز مشاوره و مؤسسات آموزشی و پیشگیری کمک می‌کند تا تحلیل واقع‌گرایانه‌تری نسبت به دخالت‌های خانواده‌های اصلی در زندگی زناشویی زوجین داشته باشند.

***نویسنده مسئول:**

پست الکترونیکی: z.abbaspour@scu.ac.ir

استناد به این مقاله:

عباس‌پور، ذبیح‌اله، احمدی نورالدین‌وند، شکیبا، شیرالی‌نیا، خدیجه (۱۴۰۳). بررسی تجربهٔ زیستهٔ زنان متقاضی طلاق از دخالت‌های خانوادهٔ همسر. *روانشناسی خانواده*، ۱۱(۱)، ۳۵-۴۷.

مقدمه

ازدواج، یکی از رویدادهای مهم و حیاتی است که از منظر اجتماعی به عنوان پیوندی هدفمند و باثبات بین زن و مرد شناخته می‌شود. گاهی ازدواج به دلایلی، دوام چندانی نمی‌آورد و به طلاق ختم می‌شود (Askaribagbani & Javdiyan, 2018). اگرچه سلامت ازدواج، ضامن تشکیل یک خانوادهٔ شاد و سالم است، ازدواج پایدار و سالم، خود با عوامل دیگری در ارتباط است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، تأثیر خانوادهٔ مبدأ در ازدواج است (Alizadeh et al., 2021). دلیل بسیاری از تعارضات زناشویی و طلاق زوجین، ارتباط نامناسب با خانوادهٔ همسر است (Dehdast et al., 2017; Ghasemi & Saroukhani, 2014; Yuan, 2019). در فرهنگ ایرانی، ازدواج فقط پیوند بین زن و مرد نیست، بلکه پیوند بین دو خانواده است. هرکدام از همسران علاوه بر اینکه عضوی از خانواده‌ای هستند که با همسرشان تشکیل داده‌اند، ، هنوز هم به‌عنوان عضوی از خانوادهٔ اصلی خود محسوب می‌شوند و از طرفی لازم است به خانوادهٔ همسر خود بپیوندند (Cheraghi et al., 2019). وقتی افراد ازدواج می‌کنند، کیفیت رابطه با خویشاوندان سببی بر ازدواج آن‌ها تأثیر بسزایی دارد (Cevheroğlu & Tutarel-Kışlak, 2023). خانوادهٔ اصلی به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر رابطهٔ زن و شوهر اثر می‌گذارد: یکی از طریق کیفیت ارتباط با فرزند خود، و دیگری از طریق کیفیت ارتباط با همسر فرزند خود (Rittenour & Soliz, 2009). در نتیجه نحوه‌ی ارتباط والدین با فرزند متأهل خود و همسر فرزندشان می‌تواند در زندگی زناشویی زوجین مسئله مهمی تلقی گردد (Montazeri et al., 2022).

حتی اگر زوجین از نظر مکانی از خانوادهٔ اصلی دور باشند، نگرش‌ها، باورها، رفتارها و الگوهای تعاملی خانواده اصلی می‌تواند جنبه‌های مختلف زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد (Montazeri, 2022). رابطه والد – فرزندی به عنوان رابطه‌ای حیاتی و بی‌همتا در خانوادهٔ ایرانی، موجب می‌شود که فرزندان همواره نسبت به والدین حس مسئولیت داشته و در تلاش برای جبران باشند (Cheraghi & Ebrahimi, 2018). در این بین رابطه مادر و فرزند پسرش، رابطه‌ای متمایز و مهم در خانوادهٔ ایرانی به‌شمار می‌رود. همچنین نقش مادر از نظر هیجانی و عاطفی بسیار مهم‌تر از نقش پدر برای فرزندان می‌باشد (Cheraghi & Ebrahimi, 2018). همین موضوع باعث شده که از گذشتهٔ بسیار دور نقش مادران در زندگی فرزندان پسر مهم‌تر باشد، تا آنجاکه این نقش در زمان انتخاب همسر برای فرزندان پسر و حتی پس از شروع زندگی مشترک به‌قوت خود باقی می‌ماند. شاید به‌همین علت باشد که وجود مشاجرات زیاد بین عروس و خانوادهٔ همسر، به‌ویژه مادر یکی از مهم‌ترین عوامل تنش‌زا در خانواده‌های ایرانی است (Cheraghi et al, 2015A) . در صورتی که فقط ده درصد از مادرشوهرها اعتقاد دارند عروس‌شان با آن‌ها دشمن است. Park And Park (2019) نیز بیان کردند که حضور مادر شوهر به طور دائم در زندگی زوجین چینی و کره‌ای به عنوان یکی از عوامل ایجادکننده تعارضات زناشویی شناخته می‌شود. از جمله مشکل‌سازترین رابطهٔ خانوادگی شناخته شده، رابطهٔ عروس و مادرشوهر است که زمینه‌ساز سوء استفاده و آسیب‌های فراوانی می‌شود (Wasim, 2014). نکته قابل تأمل آن است که احتمالاً بین مادرشوهر و عروس هیچ وقت رابطهٔ "بهنجار" شکل نمی‌گیرد (Pagente, 2024) و این دو همزمان اعضای بیگانه و صمیمی یک خانواده هستند (Allendorf, 2017).

دخالت خانواده‌ها و اطرافیان و به خصوص مادرشوهر (Goldstein, 2015) یکی از علل تعارضات زناشویی است. این دخالت‌ها موجب می‌شود که زوجین استقلال خود را از دست بدهند و تحت تأثیر این دخالت‌ها، رفتارهایی انجام دهند که به ضرر زندگی زناشویی است و بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر منفی می‌گذارد (Hooshmandi et al., 2011; Tunca & Durmuş, 2024). دخالت خانوادهٔ همسر[1] در زندگی مشترک، منجر به اختلافات زناشویی و مشکلات عدیده‌ای همچون طلاق و جدایی عاطفی زوجین می‌گردد. تحقیقات متعدد ایرانی که بر روی زوجین متقاضی طلاق صورت گرفته نشان می‌دهد که دخالت‌های خانوادهٔ همسر یکی از مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کنندهٔ انحلال زندگی زناشویی است (Mohsenzadeh et al., 2011). پژوهش نشان داده که پس از عدم

1. interference spouse's family

تفاهم اخلاقی و اعتیاد، سومین عامل درخواست طلاق، اختلاف با خانوادهٔ همسر بوده است (Ghotbi et al., 2004). از طرف دیگر عدم دخالت اطرافیان به خصوص خانواده‌های زوجین به عنوان یکی از عوامل مهم در جلوگیری از شکست زندگی همسران و افزایش کیفیت و رضایتمندی آن‌ها بوده است (Rajabi et al., 2018).

حفظ رابطهٔ زوجین با خانواده‌های همدیگر به‌قدری مهم و ضروری است که موضوع ارتباط با خانوادهٔ همسر و تأثیر زیاد آن بر ثبات زندگی زناشویی را به یک مسئله وابسته به فرهنگ در جامعهٔ ایرانی مبدل کرده است (Foruzesh et al., 2020). بسیاری از زوجین فرق حمایت و دخالت را نمی‌دانند و خانوادهٔ همسر فکر می‌کنند حق دارند که در زندگی خواهر، برادر و فرزند خود دخالت کنند، زیرا خیر و صلاح او را می‌خواهند. به همین دلیل به خود اجازه می‌دهند هرگونه حمایت، دلسوزی و مهربانی که به عقیده خودشان به‌جا و ضروری به‌نظر می‌رسد را انجام دهند. اما زوجین این نوع حمایت‌ها و پشتیبانی‌ها را دخالت تعبیر می‌کنند و هیچ شکلی از دخالت حتی خیرخواهانه از سوی آن‌ها پذیرفته نیست، درحالی‌که ممکن است؛ مثلاً مادرشوهر دلیل رفتارهای خود را ایفای نقش مادرانه و راهنمای بزرگ‌تری برای عروس، حامی پسر و مراقب نوهٔ خود بداند (Dixit et al., 2022).

در فرهنگ ایرانی نقش خانواده‌ها در روابط زوجین اساسی و پراهمیت است (Zahrakar et al., 2022)، تا آنجا که در بعضی خرده‌فرهنگ‌ها پدر عروس به پدر داماد می‌گوید "من دخترم را دست تو می‌دهم نه پسرت". از سوی دیگر آمارها و پژوهش‌ها در این زمینه نشان می‌دهند که این ارتباطات در نهایت منجر به دخالت در زندگی زناشویی زوج‌ها می‌گردد. گرچه از نگاه خانوادهٔ همسر این‌گونه رفتارها از سر دلسوزی، نصیحت، مهربانی و دوست داشتن است، اما از طرف عروس خانم‌ها قابل قبول نبوده و آن را دخالت در زندگی شخصی و یکی از دلایل مهم تصمیم به طلاق خود می‌دانند (Abedini, 2017; Akhavi samarein et al., 2017; Azizi et al., 2015; Tunca & Durmuş, 2024). لذا علاوه بر دلایل فوق، به دلیل کمی بودن مطالعات انجام شده و ناکافی بودن مطالعات کیفی جهت بررسی مصادیق دخالت‌های خانوادهٔ همسر به شیوه پدیدارشناسی در پژوهش‌های داخلی و خارجی، تحقیق در این زمینه حائز اهمیت است. به منظور کاهش عوامل تعارض‌زای زندگی زناشویی از جمله دخالت‌های خانواده‌های اصلی که در فرهنگ‌های جمع‌گرا مانند فرهنگ ایران اهمیت بیشتری دارد (Abbaspour et al, 2024; Abbaspour, 2021) و همچنین جهت پیشگیری از وقوع طلاق و کاهش آن در جامعه، انجام یک فعالیت پژوهشی جهت شناسایی مصداق‌های دخالت خانوادهٔ همسر در زندگی زوجین ایرانی که در آستانه طلاق قرار دارند ضروری به نظر می‌رسد تا درمانگران خانواده بتوانند با شناسایی مصداق‌ها، مداخلات روانشناختی خود را اثربخش کنند. بنابراین این پژوهش تجربه زیسته زنان متقاضی طلاق از دخالت‌های خانوادهٔ همسر را بررسی می‌کند.

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع کیفی است و به روش پدیدارشناسی توصیفی روان‌شناسانه[1] اجرا گردید. پدیدارشناسی فرایندی است که جهت کشف، درک و توصیف تجربه‌ی زیسته[2] روزمره افراد از یک پدیده‌ی خاص به کار برده می‌شود (Creswell, 2009).

مشارکت‌کنندگان این پژوهش زنان متقاضی طلاق استان خوزستان در سال ۱۴۰۲ بودند. تعداد مشارکت‌کنندگان ۱۰ نفر بود که به روش هدفمند انتخاب شدند. از معیار اشباع برای تعیین حجم نمونه استفاده شد. بدین‌گونه که هنگام تحلیل اطلاعات حاصل شده از این ۱۰ مشارکت‌کننده، پس از تقسیم‌بندی داده‌ها به صورت کامل و تعیین رابطهٔ بین این تقسیم‌بندی‌ها، کدهای جدید دیگری از تحلیل مصاحبه‌های سه مشارکت‌کننده بعدی استخراج نشد. در این پژوهش به‌غیر از ملاک اصلی شرکت در پژوهش، یعنی داشتن تجربه دخالت خانواده همسر، ملاک‌های دیگری برای نمونه‌گیری هدفمند به کار رفت که عبارت بودند از: مشارکت‌کنندگان باید

1. psychological descriptive phenomenology
2. lived experience

متقاضی طلاق باشند، مشارکت‌کنندگان باید جهت شرکت در پژوهش و در اختیار قراردادن تجارب خود تمایل داشته باشند؛ و مشارکت‌کنندگان جهت در اختیار قراردادن تجارب خود باید از سواد شناختی لازم و کافی برخوردار باشند.

در پژوهش حاضر از مصاحبه نیمه ساخت دار یافته[1] جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. بدین صورت که پژوهشگر در راستای افزایش تمرکز بر جزئیات پدیده (دخالت خانوادهٔ همسر) از سؤالات باز پاسخ و پیگیرانه استفاده کرد و پاسخ‌ها ضبط و مکتوب شد. محقق در شروع، جهت بررسی تجربه‌ی دخالت، معنی و مفهوم دخالت را برای آن‌ها توضیح داد و مثال‌ها و داستان‌هایی در مورد آن شرح داد. سپس این سؤالات مطرح شد: "آیا شما نیز تجارب مشابهی داشتید؟"، "در صورت داشتن این نوع تجارب در روابط با خانوادهٔ همسر، آیا می‌توانید جزئیات را توضیح دهید.؟"، "این تجارب برای شما شبیه به چه چیزی بوده است؟"، "شما چگونه این تجارب را نام‌گذاری می‌کنید؟"، و "این تجارب برای شما چه معنایی دارد؟". مدت زمان جلسات مصاحبه به طور متوسط بین ۴۰ تا ۶۰ دقیقه متغیر بود که با رضایت مشارکت‌کنندگان ضبط و ثبت شد. پس از ضبط، پژوهشگر همهٔ داده‌های استخراج شده از مصاحبه را به فایل نوشتاری تبدیل کرد. شیوه پدیدارشناسی توصیفی جیورجی به‌عنوان روشی برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده شد. پنج گام این روش عبارت‌اند از: ۱- یادداشت‌برداری و تبدیل صحبت‌های مشارکت‌کنندگان به متن؛ ۲- چندین مرتبه خواندن داده‌ها جهت پیدا کردن معنای کل؛ ۳- مشخص و برجسته نمودن واحدهای معنایی؛ ۴- تبدیل واحدهای معنایی از زبان طبیعی به زبان روان‌شناختی؛ ۵- مشخص کردن ساختار نهایی (Giorgi, 2009).

در پژوهش حاضر در راستای قابلیت اعتماد به داده‌ها، از چهار معیار باورپذیری[2]، اطمینان‌پذیری[3]، تأییدپذیری[4] و انتقال‌پذیری[5] استفاده شد (Guba & Lincoln, 1981). برای افزایش معیار باورپذیری، از اختصاص وقت کافی برای گردآوری داده‌ها، حضور دائم در محیط پژوهش و ایجاد رابطهٔ صمیمانه با مشارکت‌کنندگان استفاده شد. به منظور معیار اطمینان‌پذیری، داده‌های این پژوهش در اختیار سه پژوهشگر کیفی خارج از پژوهش قرار داده شد. سپس کدگذاری و تحلیل داده‌ها به صورت جداگانه انجام گرفت. ارزیابی این سه پژوهشگر با نتایج پژوهش حاضر شباهت زیادی داشت. تأییدپذیری از طریق همخوانی دو فرد مستقل راجع به دقت، ارتباط و معنی داده‌ها سنجیده می‌شود و از طریق پرهیز از تعصب و مشخص‌کردن قواعد تصمیم‌گیری در تفسیر و تقلیل داده‌ها میسر شد. برای اطمینان از حصول معیار انتقال‌پذیری، در انتخاب مشارکت‌کنندگان ملاک‌های مشابه و متنوع در نظر گرفته شد تا یافته‌های این پژوهش انعکاسی از بافت واقعی و گروه‌های مشابه باشد و کاربرد داشته باشد (Mohsenpour, 2015). ملاحظات اخلاقی که در این پژوهش در نظر گرفته شد: ۱-به مشارکت‌کنندگان در خصوص اهداف تحقیق توضیح داده شد؛ ۲-جهت ضبط جلسات از مشارکت‌کنندگان رضایت‌نامه کتبی گرفته شد؛ ۳- در ارتباط با صیانت از حریم خصوصی و محرمانه بودن اطلاعات و استفاده از شماره‌گذاری در هنگام تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت جلوگیری از فاش شدن اسامی واقعی مشارکت‌کنندگان، اطمینان خاطر داده شد. دامنه سنی مشارکت‌کنندگان بین ۱۹ تا ۴۰ سال بود. مدت زمان تأهل از ۲ ماه تا ۱۹ سال متغیر بود. حداقل تعداد فرزند صفر و حداکثر دو فرزند بود.

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش در مورد تجربهٔ زیستهٔ زنان متقاضی طلاق از دخالت‌های خانوادهٔ همسر، شامل ۱۰ جزء تشکیل‌دهنده است که ساختار کلی و نهایی این پدیده را در تجربهٔ مشارکت‌کنندگان شکل می‌دهد.

1. Semi-structured interview
2. credibility
3. dependability
4. conformability
5. transferability

جزء تشکیل‌دهندۀ اول: شیوۀ ارتباط با خانوادۀ اصلی و دوستان

مشارکت‌کنندگان پژوهش اظهار نمودند که خانوادۀ همسرشان در رفت‌وآمدها و ملاقات با اقوام و نزدیکانشان محدودیت ایجاد می‌کردند و اجازه دید و بازدید حتی با خویشاوندان درجه‌یک را به آن‌ها نمی‌دانند. اگر صله‌رحم را به‌جا می‌آوردند، از جانب آن‌ها مورد بازخواست قرار می‌گرفتند و زمینۀ قهر و دلخوری را به وجود می‌آوردند. به عنوان نمونه، مشارکت‌کننده چهارم عنوان کرد: «بعد از چند مدت از ازدواج خانواده‌اش می‌گفتن اصلاً خونۀ پدرت نرو. مادرشون اگر اطلاع داشت من با خانوادم ارتباط داشتم کلاً تو حالت قهر بود با من و سرد برخورد می‌کرد و مادرش اونقدر به همسرم می‌گفت خانوادۀ زنت رو بذار کنار تا دوباره واسه من عزیز بشی تا آخر بی دلیل شوهرم با خانوادۀ من قطع ارتباط کرد».

جزء تشکیل‌دهندۀ دوم: فرزندآوری و نحوۀ تربیت فرزند

مشارکت‌کنندگان پژوهش اذعان داشتند که خانوادۀ همسرشان در خصوص تعداد و زمان فرزندآوری و همچنین نحوه تربیت و پرورش آن‌ها مرتباً دخالت می‌نمودند؛ لذا با این اعمال و رفتار مداخله‌جویانه، آسایش و آرامش فکری را از آن‌ها سلب می‌نمودند. به عنوان نمونه مشارکت‌کنندۀ هفتم بیان کرد: «خانواده‌اش مدام می‌گفتن چرا بچه نمیارید. اونایی که با شما ازدواج کردند الان حداقل ۲ تا بچه دارن. من دوبار باردار شدم ولی سقط شدن و با اینکه خیلی دوست داشتم فرزند داشته باشم مادرش مدام می‌گفت از عمد سقط کردی وگرنه ما از این مشکلات توی خانوادمون نداشتیم».

جزء تشکیل‌دهندۀ سوم: شیوۀ خرج و مخارج

مشارکت‌کنندگان این پژوهش از اینکه خانوادۀ همسرشان در مورد هزینه‌ها و مخارج روزمرۀ زندگی‌شان دخالت داشتند و آن‌ها را دائماً مجبور به پاسخگویی در این خصوص می‌کردند، معترض بودند. مشارکت‌کنندۀ سوم تجربۀ خود را بدین صورت مطرح نمود: «باباش مرتب می‌گفت چرا اینقدر مواد غذایی می‌خرید. مادرش و خواهرش خیلی دخالت می‌کردن سر اینکه چرا اینقدر لباس می‌خره، چرا اینقدر کیف و کفش عوض می‌کنه، ما هنوز لباس تکراری تنش ندیدیم».

جزء تشکیل‌دهندۀ چهارم: نحوه‌ی پوشش

مشارکت‌کنندگان این پژوهش از اینکه خانوادۀ همسرشان به طرز لباس پوشیدن و آرایش آن‌ها ایراد می‌گرفتند و در تصمیم‌گیری درمورد پوششان، از جانب آن‌ها خود را در محدودیت می‌دیدند شکایت داشتند و این موارد را دخالت تلقی می‌کردند. به عنوان نمونه مشارکت‌کننده ششم اظهار کرد: «خواهرشوهرم پیش خودم با همسرم دعوا می‌کرد که نباید بذاری خانومت از این لباسا بپوشه».

جزء تشکیل‌دهندۀ پنجم: انتخاب محل سکونت

مشارکت‌کنندگان پژوهش از اینکه مجبور بودند علی‌رغم میل باطنی‌شان، با خانوادۀ همسر و یا نزدیک به آن‌ها زندگی کنند شاکی بودند و همین دخالت‌های بی‌جای آن‌ها را از مهم‌ترین دلایل اقدام به طلاق خود ذکر کردند. بیانات مشارکت‌کنندۀ نهم بدین صورت بود: «من می‌خواستم خونمو خودم انتخاب کنم و دوست نداشتم توی این شهر زندگی کنم. می‌گفتم بریم جای دیگه‌ای اما خانوادش قبول نمی‌کردن».

جزء تشکیل‌دهندهٔ ششم: حق تحصیل و اشتغال

مشارکت‌کنندگان این پژوهش، چون شوهرانشان در خصوص تحصیل و اشتغال آن‌ها، نظرات والدینشان را اعمال می‌کردند ناراضی بوده و از اینکه دخالت‌های خانوادهٔ همسر در سرنوشت شغلی و تحصیلی آن‌ها تأثیر منفی داشته است، گله‌مند بودند. به عنوان نمونه، مشارکت‌کنندهٔ هفتم بیان کرد: «من خیلی دوست داشتم برم دانشگاه و شوهرم مشکلی نداشت. و بعد اینکه یک ترم رفتم، خانواده‌اش کاری کردن که همسرم اجازه نده برم. چون خانواده‌اش با این چیزا کلاً مخالفن. طرز فکرشون این بود که دختری که دیگه عروسی کرده باید مثل خانم‌های بزرگ رفتار کنه. همسرم هم می‌گفت چون حرف در میارن دیگه نباید بری».

جزء تشکیل‌دهندهٔ هفتم: حریم خصوصی زوجین

مشارکت‌کنندگان این پژوهش گله‌مند بودند که خانوادهٔ همسرشان در تمام امورات زندگی، از جمله مسائل محرمانه و شخصی مثل مسافرت رفتن دخالت می‌کردند. به عنوان نمونه مشارکت‌کنندهٔ پنجم بیان کرد: «برای بیرون رفتن با همسرم هم مشکل داشتیم و وقتی بر می‌گشتیم دیگه بعدش جنگ بود. که چرا اینقدر شما بیرونید؟ این همه بیرون رفتن چه معنی داره و به همسرم می‌گفتن اینقدر نبرش بیرون پر رو میشه. یا مریض می‌شدم همسرم منو بیمارستان خصوصی می‌برد می‌گفتن مگه فقط تو زن داری مگه بیمارستان عمومی چشه».

جزء تشکیل‌دهندهٔ هشتم: تشدید تعارضات زناشویی

مشارکت‌کنندگان پژوهش نقل کردند که وقتی تنش و مشاجره‌ای بین خود و شوهرشان پیش می‌آمد، خانوادهٔ همسرشان نه تنها اقدام مثبتی جهت پایان دادن به آن اختلافات انجام نمی‌دادند، بلکه دامنه اختلافات را وسیع‌تر می‌کردند. مشارکت‌کنندهٔ هفتم تجربه خود را چنین بیان کرد: «اگر متوجه می‌شدن با همسرم دعوا و بحثی داشتم فوراً دخالت می‌کردن و به‌جای اینکه کاری کنن آشتی کنیم به همسرم مدام می‌گفتن تقصیر خودته که بهش رو دادی و کاری می‌کردن که بینمون خراب‌تر بشه تا خوب‌تر بشه».

جزء تشکیل‌دهندهٔ نهم: تهیه جهیزیه و مقدمات ازدواج

مشارکت‌کنندگان پژوهش بیان کردند که خانوادهٔ همسرشان هنگام تهیه و تدارک مقدمات ازدواج از جمله خرید جهیزیه، بدون مشورت و نظرخواهی از آن‌ها اقدام می‌کردند. به عنوان نمونه، مشارکت‌کنندهٔ ششم بیان کرد: «برای عروسی که تالار و لباس و آرایشگاه رو خودشون انتخاب کردن و بعد منو دعوت کردن. حتی برای لباس، من انتخابم لباس دیگه‌ای بود، اما مامانش و خواهرش می‌گفتن نه همین قشنگه، حتما همین رو باید بگیری».

جزء تشکیل‌دهندهٔ دهم: تشویق همسر به جدایی

مشارکت‌کنندگان پژوهش بیان کردند که مهم‌ترین عامل در تصمیم‌گیری‌شان برای طلاق دخالت نابجای خانوادهٔ شوهرشان بوده است؛ زیرا آن‌ها در هنگام مشاجره نه‌تنها وساطت و پادرمیانی نمی‌کردند، چه بسا همسرانشان را به جدایی تشویق و مسیر را برای طلاق هموار می‌نمودند. مشارکت‌کنندهٔ پنجم تجربه خود را بدین صورت مطرح کرد: «خانواده‌اش مشوق اصلی طلاق بودن و می‌گفتن زنتو طلاق بده و یه زنی بگیر که واست خونه و زندگی بذاره، این زن زندگی نیست. مخصوصاً برادراش که مصمم شدن طلاق برادر کوچیکشون رو بگیرن».

بحث

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد از آنجا که که رابطه با دوستان و خویشاوندان می‌تواند نقش مفیدی در تحکیم رابطه زوجین و همچنین سلامت آن‌ها داشته باشد، قطع ارتباط زوجین با اقوام و دوستان صمیمی به دلیل فشار خانوادهٔ اصلی، تأثیرات منفی بر رابطهٔ زوجی آن‌ها دارد. پژوهش‌ها در فرهنگ ایرانی نشان داده که مشکلات رابطه با اطرافیان در یک طبقه از آسیب‌های خانوادگی قرار دارد که شامل توقع بیش از اندازهٔ خانوادهٔ همسر، دخالت‌های خانوادهٔ اصلی، اختلاف در رفت‌وآمد با خانواده اصلی، عدم شرکت در مهمانی اقوام، مهمان نکردن اقوام و بی‌احترامی به اقوام است (Ahmadi, 2005). بنابراین یافته‌های این پژوهش با پیشینه تحقیقاتی موجود تطابق دارد. زنان مشارکت‌کننده، عنوان کردند که خانوادهٔ همسر در خصوص تعداد و زمان فرزندآوری، انتخاب نام فرزند و نحوه‌ی تربیت فرزندانشان دخالت می‌کردند که باعث فشار و استرس و حتی اجبار به طلاق یا پذیرش زن دوم (Naab et al., 2019) شده است. دخالت خانوادهٔ همسر در تربیت فرزندان یکی از موضوعات مهمی است که موجب تعارض میان خانواده مبدأ و زوجین می‌شود (Cheraghi et al., 2015B). پژوهش Ghasemi et al. (2016) از دخالت به عنوان یکی از مضمون‌های فرعی آسیب‌های تعاملی میان زوجین و خانواده نام برده که یکی از زیرطبقه‌های دخالت، دخالت در تربیت فرزندان است. همچنین زوجین از این دخالت به عنوان یکی از این عوامل آسیب‌زا در روابط میان زوجین و خانوادهٔ اصلی یاد کرده‌اند. این جزءتشکیل‌دهنده با پژوهش Cheraghi et al. (2015B) نیز همسو است. Pagente (2024) معتقد است مادرشوهر در قالب موضوعاتی مثل فرزندآوری، فرزندپروری، خانه‌داری و مسائل مالی در زندگی عروس خود دخالت می‌کند. همچنین مشارکت‌کنندگان زن عنوان کردند خانوادهٔ همسرشان در نحوهٔ خرج و مخارج زندگی مشترک‌شان دخالت می‌کردند که این موضوع در تصمیم آن‌ها برای جدایی نقش زیادی داشت. وابستگی اقتصادی به خانواده یکی از علت‌های بروز تعارض با خانوادهٔ همسر است (Cheraghi et al., 2015A). یکی از مؤلفه‌هایی که پژوهش Hoseini Nejad (2017) نیز به آن اشاره کرد، دخالت در خصوص برنامه‌ریزی مالی از سوی خانوادهٔ اصلی بود.

زنان متقاضی طلاق از این که خانوادهٔ همسرشان بخاطر پیروی از افکار و سنت‌های قدیمی به نوع پوشش آن‌ها ایراد می‌گرفتند، شاکی بودند. پژوهش Ghasemi et al. (2016) از تفاوت‌ها به عنوان یکی از آسیب‌های تعاملی بین زوج‌ها نام برد. تفاوت در پوشش یکی از مضمون‌های فرعی در این تفاوت‌ها است که باعث می‌شود خانواده‌ها در این زمینه دخالت کنند. این موضوع یکی از موضوعاتی است که زن و شوهر باید در مورد آن به توافق برسند. همچنین مشارکت‌کنندگان این پژوهش اظهار کردند، از جمله دلایلی که موجب شد برای طلاق اقدام کنند این بود که خانوادهٔ همسر در تعیین محل سکونت آن‌ها نقش اول را ایفا می‌کرد. نتایج پژوهش Cheraghi et al. (2015A) نشان داد که حضور زیاد خانوادهٔ همسر در خانه‌ی زوجین یکی از موضوعاتی است که موجب تعارض با خانوادهٔ همسر می‌شود. احتمالاً زنان از این که در انتخاب موضوعات زندگی خود اختیار نداشتند، نارضایتی زیادی را تجربه می‌کردند.

زنان شرکت‌کننده عنوان کردند که همسرانشان با تحت فشار قرار گرفتن از جانب خانواده‌هایشان مانع از اشتغال و ادامه تحصیل آن‌ها می‌شدند. تأثیر خانوادهٔ همسر بر تصمیمات همسر یکی از موضوعاتی که موجب تعارض میان زوجین و خانوادهٔ همسر می‌شود (Cheraghi et al., 2015A). مضمون این جزءتشکیل‌دهنده با پژوهش Hoseini Nejad (2017) همسو بود. ممانعت در مسیرهایی که می‌تواند رشد و رضایت زیادی را برای زنان به دنبال داشته باشد، یکی از انگیزه‌های طلاق بوده است. همچنین زنان متقاضی طلاق عنوان کردند که خانوادهٔ همسرشان برای حریم شخصی‌شان احترامی قائل نبودند. احساس تملک دائمی خانواده‌ها نسبت به فرزندان و درگیری عاطفی شدید بین آن‌ها، می‌تواند به مرزهای زناشویی فرزندان تجاوز کرده و موجبات ناراحتی عروس یا داماد و تضعیف رابطهٔ آن‌ها را با خانوادهٔ همسر فراهم آورد (Cheraghi et al., 2015A). یافته‌های پژوهش Ghasemi et al. (2016) نشان

داد که دخالت یکی از زیرطبقه‌های آسیب‌های تعاملی زوجین و خانواده‌های همسر می‌باشد. آن‌ها نیز بیان کردند دخالت خود نیز مضمون‌های فرعی زیادی دارد که دخالت در امور شخصی زوجین یکی از آن‌ها است.

زنان مشارکت‌کننده اظهار داشتند که در هنگام بروز اختلافات زناشویی، خانوادهٔ همسرشان با دخالت خود موجب تشدید بیشتر آن اختلافات می‌شدند. بر اساس نظریه بین نسلی بوئن هرگاه سطح تمایزیافتگی زوجین پایین باشد، آمیزش عاطفی بیشتری رخ می‌دهد که این حالت منجر به کاهش سازگاری در روابط زناشویی می‌شود. بنابراین طبق این دیدگاه، افرادی که تمایزیافتگی کمی دارند ممکن است خانوادهٔ خود را در مسائل زناشویی خویش دخالت دهند که این مداخلات نه تنها موجب بروز مشکلاتی بین زوجین می‌شود، بلکه می‌تواند روابط آن‌ها را با خانوادهٔ همسر نیز مختل کند (Haws & Mallinckrodt, 1998). نتایج پژوهش Ghasemi And Saroukhani (2014) حاکی از آن بود که تعاملات منفی با خانوادهٔ همسر، در بعد رفتاری ۱۲٪ از صمیمیت زناشویی و در بعد هیجانی ۲۲٪ از تعارضات زناشویی را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد.

زنان مشارکت‌کننده بیان کردند که در زمینه‌ی تهیه و تدارک مقدمات ازدواج مثل خرید جهیزیه با خانوادهٔ همسر اختلاف‌نظر داشتند و در این فرایند خانوادهٔ همسر تصمیم‌گیرندهٔ نهایی بود. Ghasemi et al. (2016) در پژوهش خود نشان دادند که توزیع نامتوازن قدرت، یکی از آسیب‌های ارتباطی زوجین و خانوادهٔ همسر است. خانوادهٔ همسر گاهی با راهکارهایی مثل قهر، تهدید و طرد و گاهی با ایجاد احساس گناه در زوجین، قدرت را به دست می‌گیرد و زوجین را مجبور می‌کنند تا مطابق میل آن‌ها رفتار نمایند. یافته‌های این پژوهش نیز عنوان کرد که بی‌کفایتی، عدم اعتماد به نفس و ناکارآمدی همسر، از جمله عوامل تأثیرگذاری است که موجب سلطهٔ خانوادهٔ همسر بر زندگی زوجین می‌شود. زنان متقاضی طلاق عنوان کردند که خانوادهٔ شوهر با دخالت‌های مکرر خود موجب ترغیب همسرشان به طلاق شدند. بر اساس نظریهٔ شبکه، نیرومندی شبکهٔ خویشاوندی و نیز دخالت دیگران در روابط زوج‌ها، می‌تواند توانایی تصمیم‌گیری را از زوجین سلب کند، که این امر موجب بروز تعارضات خانوادگی شده و احتمال وقوع طلاق را افزایش می‌دهد (Segalen, 1991). همچنین نتایج تحقیقات Haji Pahlavan et al. (2021) و Ghasemi and Saroukhani (2014) با یافته‌های این جزءتشکیل‌دهنده همسو است.

نحوه‌ی ارتباط والدین با فرزندان در هر جامعه‌ای متفاوت است. جامعه ایرانی از دین و فرهنگی پیروی می‌کند که در آن رابطهٔ والدین با فرزندان یک رابطهٔ خوب و دوسویه است و این روابط با ازدواج فرزندان تداوم می‌یابد که همین امر باعث پیوند بیشتر میان زوجین و خانوادهٔ همسر می‌گردد. اگر مرزهای مشخصی در این روابط مشخص نشود، زمینه‌ساز پیدایش اختلافاتی می‌شود که به روابط میان زوج و خانوادهٔ همسر آسیب می‌رساند. گرایش زنان به استقلال‌طلبی و تشکیل زندگی مستقل از خانوادهٔ اصلی، مشورت‌گری و تمایل به تصمیم‌گیری مشترک با شوهر، احساس اختیار و قدرت در زندگی خود از جمله جنبه‌های آسیب‌دیدهٔ ناشی از دخالت‌های خانوادهٔ شوهر می‌تواند باشد. اجرای این پژوهش با محدودیت‌هایی همراه بود. از جمله این که همهٔ مشارکت‌کنندگان زنان متقاضی طلاق بودند، لذا شرایط عاطفی زمان پاسخگویی می‌تواند بر شیوهٔ تعامل و انتقال تجارب تأثیر منفی بگذارد، بدین جهت باید جوانب احتیاط را رعایت کرد. پیشنهاد می‌شود این پژوهش در جامعهٔ مردان و نیز بافت‌های دیگر مورد بررسی قرار گیرد تا تفاوت‌های جنسیتی و فرهنگی لحاظ شود. همچنین پیشنهاد می‌شود مصادیق دخالت‌های خانوادهٔ اصلی در ازدواج‌های پایدار نیز بررسی شود.

تشکر و قدردانی

از همه‌ی زنان و مادران گرانقدر، که با وجود مشقّت زیاد در انجام این پژوهش با ما همکاری لازم را مبذول داشته‌اند، صمیمانه سپاسگزاریم.

تعارض منافع

این مطالعه مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه شهید چمران اهواز است و با حمایت مالی معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه شهید چمران اهواز انجام شده است و هیچگونه تعارض منافعی در آن وجود ندارد.

References

Abbaspour, Z. (2021). Development and Validation of Quality of Mother and Daughter-in-Law's Relationship Scale. *Journal of Counseling Research*, 20(77), 141-160. https://publish.kne-publishing.com/index.php/QJCR/article/view/6145. [In Persian]

Abbaspour, Z., Vasel, G., & Zanganeh, N. (2024). Prediction of the Quality of Mother-in-Law and Daughter-in-Law Relationship. Journal of Women and Family Studies, (in press), [In Persian]

Abedini, S. (2017). Studying the effects of people's interference and the support from paternal family on disappointing life with spouse (Case study: couples in Tabriz). *Quarterly Journal of Woman and Society*, *7*(spatial), 69-84. https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_2209.html [In Persian]

Ahmadi, S. A. (2005). Family injuries: classification and symptoms. abstract of articles of the fifth seminar of the Iranian Counseling Association. Tehran: *Counseling and Psychology Association.*[In Persian]

Akhavi samarein, Z.,Zahrakar, k., & Mohsenzadeh, F. (2017). Investigating the underlying factors of divorce in the social and cultural context of Tehran city, a qualitative research. *The Women and Families Cultural-Educational*, *12*(40), 105-126. https://cwfs.ihu.ac.ir/article_201719.html [In Persian]

Alizadeh, F., Kariminia, M.M., & Ansari Moghadam, M. (2021). Analyzing strategies to strengthen communication with spouse's family. *Journal of New Achievements in Humanities Studies, 4(40), 101-113.* https://www.jonahs.ir/showpaper/13076985464b81f5b9e2fd [In Persian]

Allendorf, K. (2017). Like her own: Ideals and experiences of the mother-in-law/daughter-in-law relationship. *Journal of Family Issues*, *38*(15), 2102-2127. https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0192513X15590685

Askaribagbani, A., & Javdiyan, S. R. (2018). The Double Pressure of Life, the Main Outcome of Divorce on Women: A Qualitative Study. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, *7*(4), 427-436. https://jqr1.kmu.ac.ir/article_90910.html [In Persian]

Azizi, A., Rahmani, Sh., Veisi, F., Mohammadi, F., & Fathi, H. (2015). Predicting the increase and decrease of divorce according to the role of the spouse's family in private life. *International Conference on New Researches in Management, Economics and Human Sciences.* https://sid.ir/paper/875200/fa [In Persian]

Cevheroğlu, B. A., & Tutarel-Kışlak, Ş. (2023). Spouse and mother-in-law rejection and marital adjustment of Turkish women with child and adult marriage. *Journal of Social and Personal Relationships*, *40*(5), 1554-1578. https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/02654075221129833

Cheraghi, M., & Ebrahimi, M. (2018). Psychological Analysis of Parent-Child Relationship in Iranian Proverbs: a Qualitative Research. *Journal of Family Research*, 14(3): 383-410. https://jfr.sbu.ac.ir/article_97672.html [In Persian]

Cheraghi, M., Mazaheri, M.A., Mootabi, F., Panaghi, L., & Sadeghi, M.S. (2015 A). Comparison of Relationship with In-laws in Iranian Married Women and Men. *Journal of Family Research*, 11(1): 7-32. https://jfr.sbu.ac.ir/article_96432.html [In Persian].

Cheraghi, M., Mazaheri, M.A., Mootabi, F., Panaghi, L., & Sadeghi, M.S. (2015 B). The Relationship with In-laws Comparison in two Groups of Satisfied and Dissatisfied People of that Relationship. *Journal of Family Research*, 10(4): 451-474. https://jfr.sbu.ac.ir/article_96462.html [In Persian].

Cheraghi, M. Mazaheri, M.A., Mootabi, F., Panaghi, L,. & Sadeghi, M. S. (2019). Beyond the couple: A qualitative analysis of successful in‐law relationship in Iran. *Family process*, 58(4), 936-953. https://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/famp.12389

Creswell, J. W. (2009). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches* (3rd ed.). Sage Publications, Inc. https://www.ucg.ac.me/skladiste/blog_609332/objava_105202/fajlovi/Creswell.pdf

Dehdast, K., Kazemian, S., & Bagheri, S. (2017). Explanation of a conceptual model related to the process of compatibility with the family of the spouse. *The Women and Family Cultural Education*, 11(37), 49-75. https://cwfs.ihu.ac.ir/article_201698_c4f116267fa1f6e5fe7c4ff7c6b11e69.pdf [In Persian]

Dixit, A., Ghule, M., Rao, N., Battala, M., Begum, S., Johns, N. E., Averbach, S., & Raj, A. (2022). Qualitative Examination of the Role and Influence of Mothers-in-Law on Young Married Couples' Family Planning in Rural Maharashtra, India. *Global Health: Science and Practice*, *10*(5). https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC9622279/

Foruzesh, S., Roshan, R., Gholami Fesharaki, M., & Mohsenyzade, M. (2020). aws based on attachment styles, l-In Relationship with Developing model for Emotional Intelligence with intermediation and characteristics Personality Religious commitment. *Clinical Psychology and Personality*, *17*(2), 63-76. https://cpap.shahed.ac.ir/article_2908.html?lang=fa [In Persian]

Ghasemi, A., & Saroukhani, B. (2014). Factors related to divorce among the couples applying consensual divorce. *Journal of Socio-Cultural Changes*, 10(4), 69-87. sid.ir/paper/254994/fa [In Persian]

Ghasemi, S., Etemadi, O., & Ahmadi, S. A. (2016). Pathology of couples and in-law family interactions: A qualitative study. *Journal of Qualitative Research in Health Science,* 5(3), 250-262. https://jqr1.kmu.ac.ir/article_90863.html [In Persian]

Ghotbi, M., holakoei Naeini, K., jazayeri, A., & rahimi, A. (2004). Evaluation of divorce and it's factors in divorced person lived in doulat abad (Tehran). *Refahj*, *3*(12), 271-286. https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1886-fa.html [In Persian]

Giorgi, A. (2009). *The descriptive phenomenological method in psychology: A modified Husserlian approach.* Duquesne University Press. https://psycnet.apa.org/record/2009-17646-000

Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1981). *Effective evaluation: Improving the usefulness of evaluation results through responsive and naturalistic approaches.* Jossey-Bass. https://gwern.net/doc/sociology/1981-guba-effectiveevaluation.pdf

Goldstein, D. I. (2015). *Mediating the influence of interference on marital satisfaction: Boundaries with in-laws* (Doctoral dissertation, University of Georgia). http://getd.libs.uga.edu/pdfs/goldstein_daniel_i_201508_phd.pdf

Haji Pahlavan, G., Kariminia, M.M., & Ansari Moghadam, M. (2021). Increase and decrease of divorce according to the role of spouse's family in family in private life. *Journal of New Developments in Psychology, Educational Sciences and Education,* 4(36), 77-92. https://www.jonapte.ir/fa/showart-404d4b259f96ab75f77ab0266ab54a28 [In Persian]

Haws ,W. & Mallinckrodt, B. (1998). Seperaton-individuation from family of origin and marital adjustment of recently married couple. *American Journal of Family Therapy*, 26 (4), 293-306. https://www.tandfonline.com/journals/uaft20

Hooshmandi, R., Ahmadi, K., & kiamanesh, A. (2019). Analysis of the causes of marital conflict in the last two decades (a systematic review). *Journal of Psychological Science*, *18*(79), 819-828. https://psychologicalscience.ir/article-1-365-fa.html [In Persian]

Hoseini Nejad, S.M. (2017). *Narrative Understanding of Divorced Women of the Role of the Family of Origion in Divorce Incidence.* Family Counseling Master's Thesis, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman. https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/3c7baaf277fbd9e9eb8158f9cb326d68/search/19d5059271b09683a90e2b288ff1b1dc [In Persian]

Mohsenpour, M. (2015). Evaluation of qualitative data. *Beyhagh*, *16*(2), 50-55. https://beyhagh.medsab.ac.ir/article_642.html?lang=en [In Persian]

Mohsenzadeh, F., Nazariy, A. M., & Arefi, M. (2011). Qualitative study of factors contributing to marital dissatisfaction and applying for divorce (the case of Kermanshah). *Women's Strategic Studies*, *14*(53), 7-42. https://www.jwss.ir/article_12235.html [In Persian]

Montazeri, R. (2022). The role of couples' families in adjustment, stability and marital satisfaction of spouses: A review study. *Rooyesh -e-Ravanshenasi Journal, 11(1),* 199-210. https://frooyesh.ir/article-1-3296-fa.html [In Persian]

Montazeri, R., Cheraghi, M., Fallahzadeh. (2022). Iranian parents' standards for desirable child-in-law. *Journal of Family Research*, 18(1), 23-38. https://dx.doi.org/10.52547/JFR.18.1.23 [In Persian]

Naab, F., Lawali, Y., & Donkor, E. S. (2019). "My mother in-law forced my husband to divorce me": Experiences of women with infertility in Zamfara State of Nigeria. *PloS one*, *14*(12), e0225149. https://journals.plos.org/plosone/article?id=10.1371/journal.pone.0225149

Pagente, A. L. (2024). Social construction of a mother-in-law and daughter-in-law relationship: a case study perspective. *Sci Int (Lahore),* 35(6), 815-818. https://www.researchgate.net/publication/376549005

Park, T. Y., & Park, Y. (2019). Living with an in -law and marital conflicts: A family therapy case study. *Journal of Asia Pacific Counseling*, 9(2), 73 –89. http://japconline.org/journal/article.php?code=67957

Rajabi, G., Kaveh Farsani, Z., Amanelahi, A., & Khojasteh Mehr, R. (2018). Identifying the components of marital relationship: A qualitative study. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 7(2), 198-213. https://jqr1.kmu.ac.ir/article_90929_14442efffd51ab9fdb21038904ef8b00.pdf [In Persian]

Rittenour, C., & Soliz, J. (2009). Communicative and relational dimensions of shared family identity and relational intentions in mother-in-law/daughter-in-law relationships: Developing a conceptual model for mother-in-law/daughter-in-law research. *Western Journal of Communication, 73(1),* 67-90. https://core.ac.uk/download/pdf/127441136.pdf

Segalen, M. (1991). *Historical anthropology of the family*. Translated by Eliasi, H. (2014). Tehran: markaz printing. (Persion). https://nashremarkaz.com/book/Historical-anthropology-of-the-family/

Tunca, A., & Durmuş, E. (2024). An investigation of mother-in-law's role in the family system in Turkish culture: a phenomenological study. *Current Psychology*, 43, 10247-1263. https://link.springer.com/article/10.1007/s12144-023-05165-0

Wasim, F. (2014). *South Asian American daughter-in-law/mother-in-law relationships, cultural values conflict, and help-seeking for domestic violence* .Doctoral dissertation, Oklahoma State University. https://core.ac.uk/reader/215276613

Yuan, X. (2019). Family -of-origin triangulation and marital quality of chinese couples: The mediating role of in -law relationships. *Journal of Comparative Family Studies*, 50(1), 98 -112. https://utpjournals.press/doi/abs/10.3138/jcfs.042-2017

Zahrakar, K., Nouri, F. L., & Mohsenzadeh, F. (2022). Exploring factors affecting conflict between daughter-in-law and mother-in-law: A qualitative study. *International Journal of Health Sciences*, 6(S7), 6340-6367. https://sciencescholar.us/journal/index.php/ijhs/article/view/13521

©The Author(s). Published by Family Psychology Association of Iran
This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)